

عبارات کلیدی برای کنفرانس بین‌المللی چینی زبان ۲۰۲۶

ایوب آشکار می‌کند که کتاب مقدس شامل شصت و شش کتاب، فقط برای یک امر است:
برای خدا در مسیح توسط روح، که خود را در ما توزیع کند تا حیات ما،
طبیعت ما، و همه چیز ما باشد تا ما مسیح را زیست کنیم و مسیح را ابراز نماییم؛
این باید اصل حاکم بر زندگی ما باشد.

نوح به خدا ایمان داشت، با خدا راه رفت،
خدا را خشنود کرد، و از هر آنچه خدا هست مسرت برد.

مسیح جمعی به عنوان سنگ و کوه،
داماد با عروستش، انسان جمعی خدا با نفس خدا،
ضد مسیح و لشکریانش را با نفس، شمشیر، دهانش،
خرد و هلاک خواهد کرد.

در مسیح، خدا به درون انسان،
انسان به درون خدا ساخته شده است،
و خدا و انسان با هم آمیخته شده‌اند تا یک موجودیت باشند،
که خدا-انسان خوانده می‌شود.

موضوع کلی:

نوح، دانیال، و ایوب - الگوهای زیستن یک زندگی غلبه‌کننده
در خط حیات برای برآوردن اقتصاد خدا

پیام اول

زیستن و کار کردن بر طبق بینش عصر برای تغییر عصر

خواندن متون مقدس: حزقیال ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ پیدایش ۶: ۸؛
متی ۲۴: ۳۷-۳۹؛ دانیال ۲: ۳۴-۳۵؛ ایوب ۴۲: ۵-۶

۱. نوح، دانیال، و ایوب الگوهایی هستند که آشکار می‌کنند چگونه می‌توانیم یک زندگی غلبه‌کننده را در خط حیات برای برآوردن اقتصاد خدا زیست کنیم؛ این، زیستن و کار کردن طبق بینش عصر برای تغییر عصر است - حزقیال ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ پیدایش ۲: ۹؛ مکاشفه ۷: ۲۲؛ ۱-۲؛ متی ۲۴: ۳۷-۳۹، ۴۵-۵۱؛ دانیال ۲: ۳۴-۳۵؛ اعمال ۲۶: ۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۸.

۲. زندگی نوح، دانیال، و ایوب آشکار می‌کند که خدای سه‌یکتا خود را در مردم برگزیده و بازخرید شده‌اش توزیع کرده و می‌نهد تا اقتصاد جاودانش را برآورده کند؛ تمامی کتاب مقدس طبق آن اصل حاکم نوشته شده است که خدای سه‌یکتا خود را در ما توزیع می‌کند تا او را تجربه کنیم، از او مسرت ببریم، و او را برای برآورده شدن اقتصاد الهی‌اش ابراز نماییم - ر.ک. ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ افسسیان ۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰؛ مزامیر ۳۶: ۸-۹؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹؛

آ. با نوح، خدا پدر را در امین بودنش جهت حفظ عهد جاودانش (حاکمی از رنگین‌کمان) می‌بینیم، [عهدی] که اقتصاد جاودان اوست برای توزیع مسیح شامل تمام به عنوان عدالت، قدوسیت، و جلال به درون مردم برگزیده‌اش تا آنها را مظهر حکیمانه هرآنچه مسیح است، بسازد - پیدایش ۳: ۲۴؛ ۹: ۸-۱۷؛ حزقیال ۱: ۲۶-۲۸؛ ۳۶: ۲۲-۳۸؛ متی ۲۶: ۲۸؛ عبرانیان ۸: ۸-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱: ۹؛ ۳۰-۲۴؛ ۲: ۹-۱۰؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۲۵-۲۷؛ مکاشفه ۴: ۳؛ ۲۱: ۱۸-۲۰.

ب. با دانیال، می‌بینیم که مسیح پسر، مرکزیت و عالمیت حرکت خداست، و هدف اقتصاد جاودان خدا، داشتن مسیح جمعی، مسیح با غلبه‌کنندگانش، به عنوان سنگ خردکننده است تا وسیله توزیعی برای پایان دادن به این عصر باشد و به کوهی عظیم تبدیل شود که کل زمین را پر کرده، کل زمین را پادشاهی خدا سازد - دانیال ۲: ۳۱-۴۵؛ ۷: ۱۳-۱۴؛ ۱۰: ۴-۹؛ یوئیل ۳: ۱۱؛ مکاشفه ۱۲: ۱-۲، ۵، ۱۱؛ ۱۹: ۷-۲۱.

پ. با ایوب، می‌بینیم که خدا روح، عاشقانش را از طریق فرآیند دگرگونی با نو شدن توسط روح القدس در دیدن خدا جهت کسب کردن خدا و دگرگونی توسط خدا برای انجام آنچه در قلب خداست، هدایت می‌کند. این توسط تبدیل شدن به خدا در حیات، در طبیعت، و در ظاهر، ولی نه در خدایی، برای ابراز جمعی خدا، جلال خدا است - ایوب ۱۰: ۱۳؛ ۴۲: ۵-۶؛ افسسیان ۳: ۹؛ متی ۵: ۸؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸-۱۶؛ تیتوس ۳: ۵؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۱؛ افسسیان ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۲۱: ۱۰-۱۱.

۳. «اما نوح در نظر خداوند التفاف [فیض] یافت» - پیدایش ۶: ۸:

آ. زندگی و کار نوح آشکار می‌کند که فیض چقدر می‌تواند برای انسان‌های سقوط کرده مفید باشد؛ فیض، مسیح شگفت‌انگیز است که بار قلبی ما را حمل کرده، همه کار را در ما از جانب ما برای مسرت ما انجام می‌دهد - آ. ۱-۱۴؛ متی ۲۴: ۳۷-۳۹؛ ۲ قرنتیان ۱۲: ۷-۹؛ ۱. جسم، حضور شیطان است، و فیض، حضور خداست؛ برای اینکه با حضور شیطان

روبرو شویم، به حضور خدا نیاز داریم - پیدایش ۶: ۳، ۸؛ رومیان ۷: ۱۷-۲۱؛ عبرانیان ۴: ۱۶؛ ۱۰: ۱۵: ۱۰.

۲. حاصل فیض، عدالت است؛ با قدرت فیض، قوت فیض، و حیات فیض، می‌توانیم با خدا، با یکدیگر، و حتی با خودمان درست باشیم - رومیان ۵: ۱۷، ۲۱؛ ۲ پطرس ۲: ۵.

ب. نوح با خدا راه رفت و کشتی را برای انجام اقتصاد الهی ساخت - پیدایش ۶: ۸-۲۲؛ عبرانیان ۱۱: ۷؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰-۲۱؛ متی ۱۶: ۱۸:

۱. اولین بنای خدا در متون مقدس، کشتی نوح است که مسیح را به عنوان بنای خدا و انسان نشان می‌دهد؛ بنای خدا، یک خدا-انسان است - یوحنا ۱: ۱۴؛ ۲: ۱۹؛ ۱۰: ۱۹؛ ۱۷: ۱۶؛ مکاشفه ۲: ۲۱، ۲۲؛ افسسیان ۲: ۲۲؛ مزامیر ۲۷: ۴.

۲. بنای کشتی، نماد بنای مسیح جمعی، کلیسا به عنوان بدن مسیح، با عنصر غنای مسیح به عنوان مصالح بنا است - متی ۱۶: ۱۸؛ ۱۰: ۱۸؛ ۱۲: ۹؛ افسسیان ۳: ۸-۱۰؛ ۴: ۱۲.

۳. سه طبقه کشتی نشانگر خدای سه‌یکتا طبق تجربه ما از اوست. روح، که با طبقه پایین نشان داده شده است، ما را به پسر می‌آورد (۱ پطرس ۱: ۲؛ یوحنا ۱۶: ۸، ۱۳-۱۵)، و پسر ما را بالاتر در تجربه‌مان به پدر می‌رساند (۱۴: ۶؛ افسسیان ۲: ۱۸؛ ۱ یوحنا ۱: ۵؛ ۴: ۸).

۴. در طبقه سوم کشتی، فقط یک پنجره، رو به آسمان، وجود داشت که نشان می‌دهد در کلیسا، بنای خدا، فقط یک مکاشفه و یک بینش از طریق یک خدمتگزاری عهد جدید وجود دارد - پیدایش ۶: ۱۶؛ اعمال ۲۶: ۱۹؛ امثال ۲۹: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ ۲ قرنتیان ۳: ۶-۹؛ ۴: ۱.

۴. دانیال به ما نشان می‌دهد باید زمان را دریابیم تا از مسیح به عنوان نفیس بودن والای خدا مسرت ببریم، که با او ساخته شویم تا انسان‌های نفیس، حتی خود نفیس بودن، به عنوان گنجینه شخصی او باشیم - دانیال ۹: ۲۳؛ ۱۰: ۱۱، ۱۹؛ ۱ پطرس ۲: ۷؛ خروج ۱۹: ۴-۶:

آ. مسیح عالی در نفیس بودن والای خود به عنوان یک انسان به دانیال برای قدردانی، تسلی، تشویق، انتظار، و تثبیت او ظهور کرد - دانیال ۱۰: ۴-۹:

۱. مسیح به عنوان یک کاهن در انسانیت خود، حاکی از ردای کتانی، ظهور کرد تا از مردم برگزیده خود در اسارتشان مراقبت کند - آ. ۵؛ خروج ۲۸: ۳۱-۳۵.

۲. مسیح در مقام پادشاهی خود در الهیت خود، حاکی از کمر بند طلا، برای حکمرانی بر همه قوم‌ها، ظهور کرد - دانیال ۱۰: ۵ ب.

۳. برای قدردانی مردمش، مسیح در نفیس بودن و وقار [کاملیت] خود ظاهر شد، حاکی از بدنش مثل زبرجد. کلمه عبری برای «زبرجد» می‌تواند به سنگ نفیس سبز مایل به آبی یا زرد اشاره داشته باشد، حاکی از اینکه مسیح در تجسم خود، الهی (زرد)، پر از حیات (سبز)، و آسمانی (آبی) است - آ. ۶.

۴. مسیح همچنین در درخشندگی خود برای تابیدن بر مردم ظاهر شد، حاکی از چهره‌اش مثل برق (آ. ۶ ب)، و در دید روشن خود برای جستجو و داوری، حاکی از چشمانش مثل شعله‌های آتش (آ. ۶ پ).

۵. مسیح در تابش کار و حرکتش ظهور کرد، حاکی از بازوها و پاهایش مثل تابش برنز تافته - آ. ۶ ت.

۶. مسیح در سخن گفتن قوی خود برای داوری مردم ظهور کرد، حاکی از آواز کلامش مثل صدای جماعت بی شمار - آ. ۶ ث.

ب. دانیال آن مکاشفه را دریافت کرد که کل وضعیت جهان تحت حکم آسمان‌ها توسط خدای آسمان‌ها است تا به مسیح برتری، جایگاه اول، در همه چیز داده شود - ۲: ۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵؛ ۷: ۹-۱۰؛ ۳۴-۳۵؛ کولسیان ۱: ۱۵، ۱۷-۱۸؛ مکاشفه ۲: ۴-۵.

۵. «و خداوند ایوب را... خطاب کرد» (ایوب ۳۸: ۱)؛ «و ایوب خداوند را جواب داد» (۴۲: ۱)؛ «خداوند مصیبت او را دور ساخت [او را از اسارت درآورد]» (آ. ۱۰: ۱)؛

- آ. منطق دوستان ایوب بر طبق خط درخت شناخت نیک و بد در فکرشان بود که رنج‌های ایوب موضوع داوری خداست؛ لیکن، رنج‌های ایوب تحلیل دادن توسط خدا بود که ایوب را کسب کند تا او خدا را بیشتر کسب نماید - ۹: ۱۵؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۳: ۴؛ فیلیپیان ۳: ۸، ۱۲-۱۳:
۱. قصد خدا با ایوب این بود که ایوب طبیعی را در کمال و درستکاری‌اش متلاشی کند تا ایوبی نو شده در طبیعت و صفات خدا بنا سازد - ایوب ۱: ۱؛ تیتوس ۳: ۵.
 ۲. قصد خدا این بود که ایوب را به جستجوی عمیق‌تر خدا سوق دهد تا ایوب دریابد که آنچه در زندگی انسانی خود کم داشت، خود خدا بود، تا او خدا را پیگیری کند، خدا را کسب کند، و خدا را ابراز نماید - کولسیان ۲: ۱۹.
 ۳. قصد خدا این بود که دارای ایوبی در خط درخت حیات باشد و ایوب را مرد خدا سازد - پیدایش ۲: ۹؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۷؛ افسسیان ۳: ۱۴-۲۱.
- ب. ایوب آشکار می‌کند که کتاب مقدس شامل شصت و شش کتاب، فقط برای یک امر است: برای خدا در مسیح توسط روح، که خود را در ما توزیع کند تا حیات ما، طبیعت ما، و همه چیز ما باشد تا ما مسیح را زیست کنیم و مسیح را ابراز نماییم؛ این باید اصل حاکم بر زندگی ما باشد - ایوب ۱۰: ۱۳؛ افسسیان ۳: ۹؛ فیلیپیان ۳: ۸-۹؛ افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۲: ۱۵؛ مکاشفه ۲۱: ۲.
- پ. راه زندگی و کار در این اصل، بودن و همه کار را توسط روح، با روح، در روح، و از طریق روح با تمرین روحان انجام دادن است - غلاطیان ۵: ۲۵؛ رومیان ۸: ۴؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ مکاشفه ۲: ۷؛ ۲۲: ۱۷.

پیام دو
خط حیات با نوح -
زندگی و کاری که عصر را تغییر می دهد

خواندن متون مقدس: پیدایش ۶: ۵-۱۴؛ عبرانیان ۱۱: ۷

۱. نوح به خدا ایمان داشت، با خدا راه می رفت، خدا را خشنود می کرد، و از هر آنچه خدا هست مسرت می برد:

آ. شیطان انسان را بی نهایت فاسد کرده بود، و خدا مصمم بود انسانی را که برای مقصود خود آفریده بود، نابود کند.

ب. از این رو، به نظر می رسید که خدا شکست خورد؛ «اما نوح» به عامل حاکمی اشاره دارد که برای خدا راهی فراهم کرد تا به انجام مقصود اصلی خود با انسان ادامه دهد.

پ. از طریق زندگی و کار نوح، خدا بر دشمن خود پیروز شد و عصر را تغییر داد.

۲. زندگی نوح، زندگی ای بود که عصر را تغییر داد - ر.ک. فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱ آ:

آ. زندگی ای که عصر را تغییر می دهد، زندگی ای است که راه های خدامانند نیاکان را به ارث می برد:

۱. نوح راه نجات آدم را به ارث برده، وعده مسیح به عنوان نسل زن و پوشش مسیح به عنوان

عدالت رضایت بخش خدا را دریافت کرد - پیدایش ۳: ۱۵، ۲۰-۲۱؛ ر.ک. اشعیا ۱۲: ۲.

۲. نوح راه هدیه قربانی هابیل را به ارث برد، که اهدای مسیح به خدا، نه تنها به عنوان قربانی

برای گناهان ما، بلکه به عنوان هدیه ای برای خشنودی خدا است - پیدایش ۴: ۴.

۳. نوح راه انوش در خواندن نام یهوه برای مسرت بردن از هر آنچه او هست را به ارث برد - آ. ۲۶؛

ارمیا ۳۳: ۳؛ رومیان ۱۰: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲.

۴. نوح راه خنوخ در راه رفتن با خدا را به ارث برد، که برگرفتن خدا به عنوان مرکز و همه چیز ما، و

زیستن و انجام همه کارها بر طبق خدا و با خدا است - پیدایش ۵: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶؛

۲ قرن تیان ۵: ۴، ۹، ۱۴-۱۶؛ ۱: ۱.

ب. خدا به نوح وضعیت حقیقی عصر فاسدی را که در آن زندگی می کرد نشان داد - پیدایش ۶: ۳، ۵،

۱۱، ۱۳؛ متی ۲۴: ۳۷-۳۹؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۵.

پ. «اما نوح در نظر خداوند التفات [فیض] یافت» - پیدایش ۶: ۸:

۱. وقتی شیطان بهترین سعی خود را برای تخریب وضعیت انجام داده است، همیشه کسانی

بوده اند که در چشم خدا فیض یافته اند تا به کسانی تبدیل شوند که عصر را تغییر داده اند -

ر.ک. دانیال ۱: ۸؛ ۹: ۲۳؛ ۱۰: ۱۱، ۱۹.

۲. مقصود عمده روایت پیدایش، نشان دادن سقوط نیست بلکه نشان دادن این است که فیض

خدا چقدر می تواند برای انسان های سقوط کرده مفید باشد:

(آ) فیض، خود خدا، حضور خداست، که ما از آن مسرت می بریم تا همه چیز برای ما باشد و

همه کار را در ما، از طریق ما، و برای ما انجام دهد - یوحنا ۱: ۱۴، ۱۶-۱۷؛ مکاشفه ۲۲: ۲۱.

(ب) مسرت از خداوند به عنوان فیض، با کسانی است که عاشقش هستند - افسسیان ۶: ۲۴؛

یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.

(پ) فیض خداوند عیسی مسیح به عنوان تأمین فراوان خدای سه یکتا، از طریق تمرین روح

انسانی ما، مسرت برده می شود - عبرانیان ۱۰: ۲۹؛ ب؛ غلاطیان ۶: ۱۸؛ فیلیپیان ۴: ۲۳؛

فیلمون ۲۵؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

(ت) کلام خدا، کلام فیض است - اعمال ۲۰: ۳۲؛ کولسیان ۳: ۱۶؛ ر.ک. ارمیا ۱۵: ۱۶.

(ث) ما خدای سه یکتای فرآیند شده را به عنوان فیض حیات در ملاقات با مقدسان بر زمین

یگانگی تجربه می کنیم - مزامیر ۱۳۳: ۳؛ ۱ پطرس ۳: ۷؛ اعمال ۴: ۳۳؛ ۱۱: ۲۳.

(ج) ما می‌توانیم خداوند را به عنوان فیض فزاینده و تماماً کافی خود در میان رنج‌ها و آزمون‌ها تجربه کنیم - ۲ قرن‌تیا ۱۲:۹.

(چ) ما باید برای خداوند با قدرت فیض او زحمت بکشیم - ۱ قرن‌تیا ۱۵:۱۰، ۵۸:۳؛ ۱۲:۱۲.

(ح) ما باید مباحثان نیکوی فیض گوناگون خدا باشیم - ۱ پطرس ۴:۱۰؛ افسسیان ۳:۲؛ ۲ قرن‌تیا ۱:۱۵؛ افسسیان ۴:۲۹.

(خ) با قدرت فیض، قوت فیض، و حیات فیض، می‌توانیم با خدا و با یکدیگر درست باشیم؛ فیض، عدالت را به بار می‌آورد - عبرانیان ۱۱:۷؛ رومیان ۵:۱۷، ۲۱.

۳. کار نوح کاری بود که عصر را تغییر داد - ۱ قرن‌تیا ۳:۹؛ ۲ قرن‌تیا ۶:۱؛ متی ۱۶:۱۸؛ ۱ قرن‌تیا ۱۲:۳.

آ. خدا به نوح مکشفه‌ای شامل تمام، مکشفه‌ای فراتر، مکشفه برای بنای کشتی داد، که راهی بود که خدا آن نسل فاسد را خاتمه داده و عصری جدید را می‌آورد:

۱. آن کشتی، نمادی از مسیح است (۱ پطرس ۳:۲۰-۲۱) - نه تنها مسیح فردی، بلکه همچنین مسیح جمعی، کلیسا، که بدن مسیح و انسان نو است که در اورشلیم نو تکامل خواهد یافت (متی ۱۶:۱۸؛ ۱ قرن‌تیا ۱۲:۱۲؛ افسسیان ۲:۱۵-۱۶؛ کولسیان ۳:۱۰-۱۱؛ مکشفه ۲:۲۱).

۲. بنای کشتی، نماد بنای مسیح جمعی است، با عنصر غنای مسیح به عنوان مصالح بنا، توسط کسانی که به همراه خدا کار می‌کنند - ۱ قرن‌تیا ۳:۹-۱۲؛ افسسیان ۴:۱۲؛ ۲:۲۲.

۳. این بنا، نهادن مسیح به درون مردم است تا آنها را با هم توسط مسیح بنا کند تا تبدیل به اظهار خدا در جسم شوند - ۱ تیموتائوس ۳:۱۵-۱۶:

(آ) نکته بسیار مهم در کار ما، بخش کردن خدای بنا کننده و بنا شده به درون دیگران است تا خدای سه‌یکتا خود را در وجود آنها بنا کند - متی ۱۶:۱۸؛ افسسیان ۲:۲۱-۲۲؛ ۳:۱۷؛ ۱ قرن‌تیا ۱۴:۴ ب.

(ب) ما باید یک چیز را به عمل آوریم - بخش کردن خدای سه‌یکتای فرآیند و تکمیل شده به درون دیگران تا او خود را در انسان درونی آنها بنا کند؛ ما باید دعا کنیم که خداوند به ما بیاموزد که به این روش کار کنیم - ۲ قرن‌تیا ۱۳:۱۴؛ ۱ قرن‌تیا ۳:۹، ۱۰، ۱۲؛ رومیان ۱۱:۳۶.

ب. با بنای کلیسا و ورود به زندگی کلیسایی، ما از داوری خدا بر نسل شرور امروزی از طریق مصیبت عظیم، نجات خواهیم یافت و از آن نسل جدا خواهیم شد تا به عصری جدید، عصر هزاره، آورده شویم - عبرانیان ۱۱:۷؛ متی ۲۴:۳۷-۳۹؛ لوقا ۱۷:۲۶-۲۷.

پیروزی غلبه‌کنندگان که با دانیال و همراهانش دیده می‌شود

خواندن متون مقدس: دانیال ۱-۶

۱. اصل بازیابی خداوند، با «دانیال و رفیقانش [همراهانش]» (حَنَنیَا، میسائیل و عَزْرِیَا) به عنوان غلبه‌کنندگانی که در پیروزی‌شان بر تدبیرهای شیطان مطلقاً با خدا یک بودند، دیده می‌شود - دانیال ۲: ۱۳، ۱۷؛ ر.ک. مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ متی ۲۲: ۱۴:

آ. در وسوسه ابلیسی خود بر دانیال و همراهانش، نبوکدنصر، نام‌های آنها که نشان می‌داد آنها از آن خدا هستند را به نام‌هایی تغییر داد که آنها را با بت‌ها یک می‌کرد - دانیال ۱: ۶-۷.

ب. نام دانیال، به معنای «خدا داور من است»، تغییر یافت به بَلَطْشَصَّر، به معنای «شاهزاده بیل [بِل]» یا «محبوب بیل [بِل]» - اشعیا ۴۶: ۱.

پ. نام حَنَنیَا، به معنای «یهوه با فیص عطا کرده است» یا «مورد لطف یهوه»، تغییر یافت به شَدْرَک، به معنای «روشن شده توسط خدای خورشید».

ت. نام میسائیل، به معنای «چه کسی آنچه خدا هست است؟»، تغییر یافت به مِیْشَک، به معنای «چه کسی می‌تواند مثل الهه شَخ باشد؟»

ث. نام عَزْرِیَا، به معنای «یهوه یاری کرده است»، تغییر یافت به عَید-نِغُو، به معنای «خادم امین خدای آتش، نِغُو».

۲. دانیال و همراهانش بر رژیم اهریمنی، پیروزمند بودند - دانیال ۱:

آ. وسوسه ابلیسی نبوکدنصر ابتدا این بود که آن چهار نواده جوان باهوش برگزیدگان شکست خورده خدا، دانیال و سه همراهش را وسوسه کند، تا با برخورداری از غذای ناپاک او، غذایی که به بت‌ها اهدا می‌شد، آلوده شوند.

ب. برای دانیال و همراهانش، خوردن آن غذا به معنای پذیرش آلودگی، پذیرش بت‌ها و در نتیجه یک شدن با شیطان بود - ر.ک. ۱ قرنیتان ۱۰: ۱۹-۲۱.

پ. وقتی دانیال و همراهانش از خوردن غذای ناپاک نبوکدنصر امتناع کرده و در عوض خوردن سبزیجات را انتخاب کردند (دانیال ۱: ۸-۱۶)، در اصل آنها درخت شناخت نیک و بد را رد کردند (ر.ک. پیدایش ۳: ۶-۱) و درخت حیات را گرفتند، که باعث شد آنها با خدا یک باشند (ر.ک. ۲: ۹، ۱۶-۱۷).

ت. بازیابی خداوند، بازیابی خوردن عیسی برای بناسازی کلیساست - آ.آ. ۹، ۱۶-۱۷؛ مکاشفه ۲: ۷، ۱۷؛ ۳: ۲۰.

ث. ما می‌توانیم عیسی را با خوردن کلامش و با دقت در تماس و بودن با کسانی که او را از قلبی خالص می‌خوانند، بخوریم - ارمیا ۱۵: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۱ قرنیتان ۱۵: ۳۳؛ امثال ۱۳: ۲۰.

۳. دانیال و همراهانش بر کوری ابلیسی، که مانع مردم از دیدن تمثال بزرگ انسانی و سنگ خردکننده به عنوان تاریخ الهی در درون تاریخ انسانی می‌شود، پیروزمند بودند - دانیال ۲:

آ. مسیح جمعی به عنوان سنگ و کوه، داماد با عروسش، انسان جمعی خدا با نَفَس خدا، ضد مسیح و لشکریانش را با نَفَس، شمشیر، دهانش، خرد و هلاک خواهد کرد - آ.آ. ۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۸؛ مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱؛ پیدایش ۱۱: ۴-۹؛ ر.ک. اشعیا ۳۳: ۲۲.

ب. مسیح، به عنوان سنگ زنده و نفیس، سنگ بنیاد، سنگ زاویه، و سنگ سر بنای خدا، ما را با خود به عنوان آن نفیس تزریق می‌کند تا ما را به عنوان سنگ‌های زنده و نفیس برای بنای خود دگرگون کند - ۱ پطرس ۲: ۴-۸؛ اشعیا ۲۸: ۱۶؛ زکریا ۳: ۹؛ ۴: ۷، ۹-۱۰.

۴. دانیال و همراهانش بر وسوسه بت‌پرستی، پیروزمند بودند - دانیال ۳؛ ر.ک. متی ۴: ۹-۱۰:

آ. هر آنچه در روح تولد تازه یافته ما خدای حقیقی نباشد، بتی است که جایگزین خداست؛ هر آنچه در روح یا از روح نباشد، بت است - ۱ یوحنا ۵: ۲۱.

ب. دشمن بدن، خود است که با منافع شخصی، خودبزرگ بینی، خودستایی، خودآرایی و قوت خود، جایگزین خدا می شود. در بدن و برای آن، ما خود را انکار می کنیم و نه خود بلکه مسیح عیسی را به عنوان خداوند موعظه می کنیم - متی ۱۶: ۲۴؛ ۲ قرننیا ۴: ۵.

پ. همراهان دانیال روح شهادت [شهید شدن] حقیقی داشتند؛ آنها به قیمت جان های خود، برای خداوند به عنوان خدای یگانه و علیه بت پرستی ایستاده، به دستور نبوکدنصر به درون کوره آتش سوزان افکنده شدند - دانیال ۳: ۱۹-۲۳.

ت. وقتی نبوکدنصر به درون کوره نگاه کرد، چهار مرد را دید که در میان آتش راه می روند (آ. ۲۴-۲۵)؛ چهارمین نفر، مسیح عالی به عنوان پسر انسان بود که آمده بود تا با سه غلبه کننده رنج کشیده و آزار دیده اش باشد و آتش را به مکانی خوشایند برای قدم زدن تبدیل کند.

ث. آن سه غلبه کننده نیازی نداشتند از خدا بخواهند که آنها را از کوره رهایی دهد (ر. ک. آ. ۱۷)؛ مسیح به عنوان پسر انسان - آن که واجد شرایط و قادر به همدردی با مردم خدا در همه چیز است (عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶) - آمد تا همراه آنها باشد و در رنج هایشان از آنها مراقبت کرده، با حضور خود، محل رنج آنها را به وضعیتی خوشایند تبدیل کند.

۵. دانیال و همراهانش بر پوششی که مانع مردم از دیدن حکمرانی آسمان ها توسط خدای آسمان ها می شود، پیروزمند بودند - دانیال ۴:

آ. به عنوان کسانی که توسط خدا برگزیده شده ایم تا به عنوان مردمش برای برتری مسیح باشیم، ما تحت حکم آسمانی خدا جهت برتری دادن به مسیح هستیم - آ. ۱۸، ۲۳-۲۶، ۳۰-۳۲؛ رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ ۲ قرننیا ۱۰: ۱۳، ۱۸؛ ارمیا ۹: ۲۳-۲۴.

ب. «کسانی که با تکبر راه می روند، او قادر است که ایشان را پست نماید» - دانیال ۴: ۳۷.

۶. دانیال و همراهانش بر جهل مربوط به نتیجه مستی در برابر خدا و توهین به قدوسیت او، پیروزمند بودند - باب ۵:

آ. برداشتن ظروفی که برای پرستش خدا در معبد مقدس او در اورشلیم بود، توسط بِلْشَصْر، و استفاده از آنها در پرستش بت ها، توهین به قدوسیت خدا بود (آ. ۴)؛ او باید از تجربه نبوکدنصر درس می گرفت (۴: ۱۸-۳۷)؛ لیکن، او درس نگرفت و در نتیجه رنج کشید (۵: ۱۸، ۲۰، ۲۴-۳۱). ب. «روح فاضل و معرفت و فطانت، و تعبیر خوابها و حل معماها، و گشودن عقدهها [به معنای واقعی کلمه، گرهها] در این دانیال... یافت شد» - آ. ۱۲.

پ. «و تو... بِلْشَصْر! اگر چه این همه را دانستی، لکن دل خود را متواضع ننمودی، بلکه خویشتن را به ضد خداوند آسمانها بلند ساختی و ظروف خانه او را به حضور تو آوردند و تو و اُمَرایت و زوجه ها و مُتعه های از آنها شراب نوشیدید و خدایان نقره و طلا و برنج و آهن و چوب و سنگ را که نمی بینند و نمی شنوند و (هیچ) نمی دانند تسبیح خواندی، اما آن خدایی را که روانت در دست او و تمامی راههایت از او می باشد، تمجید ننمودی» - آ. ۲۲-۲۳، ر. ک. آ. ۲۰.

۷. دانیال و همراهانش بر حيله ای که مانع امین بودن غلبه کنندگان در پرستش خدا می شد، پیروزمند بودند - باب ۶:

آ. مرکز دانیال ۶، دعای انسان برای انجام اقتصاد خداست؛ دانیال برای انجام کاری که انسان نمی توانست انجام دهد و فهمیدن آنچه انسان نمی تواند بفهمد، به دعا وابسته بود؛ هیچ راه دیگری برای به کمال رساندن و برآوردن اقتصاد خدا جز دعا نیست؛ این رمز درونی این باب است. ب. دانیال روزانه سه بار با پنجره های باز به سمت اورشلیم دعا می کرد؛ از طریق دعای پرفیض او، خدا اسرائیل را به سرزمین پدرانشان بازگرداند (آ. ۱۰؛ ر. ک. ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۲، ۱۸)؛ خدا وقتی به دعای ما گوش خواهد داد که دعای ما به سمت مسیح (که نمادش سرزمین مقدس است)، به سمت پادشاهی خدا (که نمادش شهر مقدس است) و به سمت خانه خدا (که نمادش معبد مقدس است) به عنوان هدف اقتصاد جاودان خدا باشد - ۸: ۴۸-۴۹.

پیام چهار ایوب و آن دو درخت

خواندن متون مقدس: پیدایش ۲: ۹، ۱۷؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴؛ ایوب ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۳: ۴۲؛ ۶-۱

۱. در مکاشفه الهی، دو درخت، دو منشأ، دو راه، دو اصل، و دو تکمیل وجود دارد:

آ. دو درخت:

۱. درخت حیات، نشانگر خدای سه یکتا به عنوان حیات برای انسان در رابطه انسان با اوست – پیدایش ۲: ۹؛ مزامیر ۳۶: ۹آ.

۲. درخت شناخت نیک و بد، نشانگر شیطان، ابلیس، آن شریر، به عنوان مرگ برای انسان در سقوط انسان در برابر خداست – پیدایش ۲: ۱۷.

ب. دو منشأ:

۱. درخت حیات، منشأ انسان‌هایی است که خدا را به عنوان حیات برای تأمین و مسرتشان جستجو می‌کنند – یوحنا ۱: ۴؛ ۱۵: ۱.

۲. درخت شناخت نیک و بد، منشأ انسان‌هایی است که از شیطان به عنوان زهر آنها به سوی مرگ و هلاکت جاودان پیروی می‌کنند – ۸: ۴۴.

۳. پیامد این دو منشأ، دو پادشاهی است – پادشاهی خدا و پادشاهی شیطان – متی ۲۱: ۴۳؛ ۱۲: ۲۶؛ کولسیان ۱: ۱۳.

پ. دو راه:

۱. راه اول، راه حیات است، راه دشوار [تنگ]، برای انسان‌ها تا جویای خدا بوده، خدا را کسب کنند و از خدا در حیات جاودانش به عنوان منشأ مسرت ببرند – متی ۷: ۱۴؛ اعمال ۹: ۲؛ ۱۶: ۱۷؛ ۱۸: ۲۵-۲۶؛ ۲ پطرس ۲: ۱۵، ۲۱.

۲. راه دوم، راه مرگ و نیک و بد است، راه عریض، برای انسان‌ها تا از شیطان پیروی کنند که فرزندان او باشند – متی ۷: ۱۳؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۰آ.

ت. دو اصل:

۱. اصل اول، اصل حیات است – اصل وابستگی به خدا – یوحنا ۱۵: ۵؛ پیدایش ۴: ۴.

۲. اصل دوم، اصل مرگ و نیک و بد است – اصل استقلال از خدا – ارمیا ۱۷: ۵-۶؛ پیدایش ۴: ۳.

ث. این دو تکمیل، حاصل نهایی آن دو راهی هستند که انسان‌ها در رابطه خود با خدا در پیش می‌گیرند:

۱. تکمیل راه حیات خدا، شهری از آب حیات، اورشلیم نو است – مکاشفه ۲۱: ۲، ۱۰-۱۱؛ ۲۲: ۱-۲.

۲. تکمیل راه مرگ و نیک و بد، دریاچه آتش است – ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۰، ۱۴-۱۵؛ ۲۱: ۸.

۲. قصد خدا داشتن ایوب که در خط درخت شناخت نیک و بد باشد نبود، بلکه ایوبی که در خط درخت حیات باشد:

آ. منطق ایوب و دوستانش بر طبق خط درخت شناخت نیک و بد بود – ایوب ۲: ۱۱ – ۳۲: ۱.

ب. ایوب، مثل دوستانش، در شناخت درست و غلط متوقف شده، اقتصاد خدا را نمی‌شناخت – ۴: ۷-۸.

پ. ایوب و دوستانش در قلمرو درخت شناخت نیک و بد بودند؛ خدا سعی می‌کرد آنها را از آن قلمرو نجات داده و در قلمرو درخت حیات قرار دهد – ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۱۹: ۱۰.

ت. مقصود خدا از رسیدگی به ایوب این بود که او را از راه نیک و بد به راه حیات برگرداند تا خدا را به طور کامل به دست آورد – ۴۲: ۱-۶.

۳. ما به بینشی از درخت حیات نیاز داریم – بینشی از خدا در مسیح به عنوان غذای ما – پیدایش ۲: ۹؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴:

آ. درخت حیات نشانگر خدای سه یکتا در مسیح است تا خود را به عنوان حیات به شکل غذا، در مردم برگزیده خود توزیع کند - پیدایش ۲: ۹.

ب. درخت حیات، مرکز عالم است:

۱. بر طبق مقصود خدا، زمین مرکز عالم است، باغ عدن مرکز زمین است، و درخت حیات، مرکز باغ عدن است. از این رو، عالم بر درخت حیات متمرکز است.

۲. هیچ چیز برای خدا و انسان مرکزی تر و مهم تر از درخت حیات نیست - ۳: ۲۲؛ مکاشفه ۲۲: ۱۴.

پ. عهد جدید آشکار می کند که مسیح، تحقق تصویر درخت حیات است - یوحنا ۱: ۴؛ ۱۵: ۵.
ت. تمام جوانب مسیح شامل تمام که در انجیل یوحنا آشکار شده است، حاصل درخت حیات است - ۶: ۴۸؛ ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶.

ث. مسرت از درخت حیات، سهم جاودان همه بازخریدشدگان خدا خواهد بود - مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴: ۱.
درخت حیات، آنچه خدا از آغاز برای انسان قصد کرده بود را برای ابد برآورده می کند - پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۹.

۲. میوه های درخت حیات، غذای بازخریدشدگان خدا در ابدیت خواهند بود؛ این میوه ها مدام تازه بوده، هر ماه تولید می شوند - مکاشفه ۲: ۲۲.

۴. وقتی که ما تولد تازه یافتیم، مسیح خود را به عنوان درخت حیات در ما کاشت - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳، ۵-۶، ۱۵؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۵: ۱، ۵:

آ. در زندگی عملی خود، شاید در خط درخت حیات نباشیم، بلکه در خط درخت شناخت نیک و بد باشیم - امثال ۱۶: ۲۵؛ ۲۱: ۲.

ب. ایوب چیزی در قلمرو اخلاقیات را پیگیری می کرد، ولی ما، ایمانداران به مسیح، باید چیزی در قلمرو خدا را پیگیری کنیم - ۱ قرن ۱۵: ۲۸؛ افسسیان ۳: ۱۶-۲۱.

پ. در زندگی روزانه خود، نباید در قلمرو درخت شناخت نیک و بد باشیم، بلکه باید در قلمرو روح حیات بخش باشیم - ۱ قرن ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۸: ۲.

ت. قصد خدا این است که ما را متلاشی کرده و با خودش به عنوان حیات و طبیعت ما بازسازی کند تا اشخاصی به طور مطلق با او یک باشیم - ۲ قرن ۱: ۹؛ ۴: ۱۴.

قصد خدا با ایوب - اینکه یک انسان نیک، یک خدا-انسان شود

خواندن متون مقدس: ایوب ۱: ۱، ۸: ۲، ۳، ۹: ۲۷؛ ۵: ۳۱؛ ۶: ۴۲؛ ۵-۶

۱. کتاب مقدس با شصت و شش کتاب فقط برای یک امر است - برای خدا در مسیح به عنوان روح، که خود را در ما توزیع کند تا حیات ما، طبیعت ما، و همه چیز ما باشد تا ما مسیح را زیست کرده و مسیح را ابراز کنیم - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷؛ فیلیپیان ۱: ۲۱؛
 آ. این باید اصلی باشد که بر زندگی ما حاکم است - یوحنا ۶: ۵۷.
 ب. به طور عملی، این باید درخت حیات امروز برای مسرت ما باشد - مکاشفه ۲۲: ۱۴.
۲. ایوب مرد نیکویی بود و خود را در کمال، درستکاری و کاملیت خود ابراز می کرد - ایوب ۲۷: ۵؛ ۳۱: ۳۲؛ ۶: ۳۱
 آ. کامل بودن، مربوط به انسان درونی است، و درستکار بودن، مربوط به انسان بیرونی می باشد - ۱: ۱.
 ب. ایوب مرد کاملیت بود؛ کاملیت، تمامیت کامل و درستکار بودن است - ۲: ۳، ۹: ۲۷؛ ۵: ۳۱؛ ۶: ۱.
 ۱. در مورد ایوب، کاملیت، ابراز تام هر آنچه او بود است.
 ۲. در منش، ایوب، کامل و درستکار بود، و در اخلاق خود، معیار بالایی از کاملیت داشت.
 پ. ایوب به طور مثبت از خدا می ترسید و به طور منفی از شر دوری می کرد - ۱: ۱؛
 ۱. خدا انسان را صرفاً برای ترس از او و کار اشتباه نکردن نیافرید؛ بلکه خدا انسان را به صورت خود و شبیه خود آفرید تا خدا را ابراز کند - پیدایش ۱: ۲۶.
 ۲. ابراز خدا، بالاتر از ترس از خدا و رویگردانی از شر است.
 ۳. آنچه ایوب در کمال، درستکاری و کاملیت خود به دست آورده بود، تماماً بطلان بود. این نه مقصود خدا را برآورده می کرد و نه آرزوی او را راضی می نمود، و از این رو او با محبت نگران ایوب بود - ایوب ۱: ۶-۸؛ ۲: ۱-۳.
 ت. فقط خدا می دانست که ایوب نیازی دارد - او خدا را در درون خود نداشت؛ بنابراین، خدا می خواست که ایوب او را کسب کند تا او را برای برآوردن مقصودش ابراز نماید - ۴۲: ۵-۶.
۳. قصد خدا این بود که ایوب یک خدا-انسان شود و خدا را در صفات او ابراز کند - ۲۲: ۲۴-۲۵؛ ۳۸: ۱-۳
 آ. خدا ایوب را به قلمرو دیگری، قلمرو خدا، وارد کرد تا ایوب بتواند به جای دستاوردهایش در کمال، عدالت و کاملیت خود، خدا را کسب کند - ۴۲: ۵-۶.
 ب. قصد خدا با ایوب این بود که او را تحلیل دهد و از دستاوردها، موفقیت هایش در بالاترین معیار اخلاقی در کمال و درستکاری، برهنه سازد - ۳۱: ۶.
 پ. قصد خدا این بود که ایوب طبیعی را در کمال و درستکاری اش متلاشی کند تا بتواند ایوبی نو شده در طبیعت و صفات خدا بنا کند - ۱: ۶-۸؛ ۲: ۳-۶.
 ت. قصد خدا این بود که ایوب را مرد خدا، پر از مسیح، تجسم خدا، بسازد تا پُری خدا برای ابراز خدا در مسیح باشد - ۱ تیموتائوس ۶: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۷.
 ث. برهنه کردن و تحلیل دادن توسط خدا بر ایوب اعمال شد تا او را متلاشی کند که خدا بتواند پایگاه و راهی برای بازسازی او با خود خدا داشته باشد تا او بتواند یک خدا-انسان شود، مثل خدا در حیات و طبیعت اما نه در خدایی او، تا خدا را ابراز کند - افسسیان ۳: ۱۶-۲۱.
۴. در مسیح، خدا به درون انسان، انسان به درون خدا ساخته شده است، و خدا و انسان با هم آمیخته شده اند تا یک موجودیت باشند، که خدا-انسان خوانده می شود - متی ۱: ۲۱، ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۵؛ تیتوس ۲: ۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۵؛

- آ. خدا-انسان‌های بسیار، بسیاری پسران خدا، افزایش، بازتولید، تکثیر و ادامهٔ مسیح، اولین خدا-انسان، هستند – یوحنا ۱۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۹.
- ب. یک خدا-انسان، کسی است که از حیات و طبیعت خدا برخوردار شده، از این رو با خدا در حیات و طبیعتش یک می‌شود و بدین ترتیب او را ابراز می‌کند – یوحنا ۳: ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴؛ ۱ قرن‌تیا ۶: ۱۷.
- پ. یک خدا-انسان از خدا متولد شده است تا فرزند خدا بوده، دارای حیات و طبیعت خدا باشد – یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۶.
۱. یک خدا-انسان دو حیات دارد، انسانی و الهی، و دو طبیعت، انسانیت و الهیت.
 ۲. یک خدا-انسان، یک حیات-انسان است – ۱ یوحنا ۵: ۱۱-۱۳؛ رومیان ۸: ۲، ۶، ۱۰-۱۱.
 ۳. یک خدا-انسان، یک طلا-انسان است – خروج ۲۵: ۱۱؛ ۱ پطرس ۱: ۷؛ مکاشفه ۳: ۱۸؛ ۲۱: ۱۸ ب.
- ت. یک خدا-انسان، با خدا ساخته شده است، و خدا را به عنوان حیات، منشأ حیات و همه چیز خود دارد؛ از این رو، یک خدا-انسان، انسان اما خدا، و خدا اما انسان است – افسسیان ۳: ۱۶-۱۷ آ.
- ث. یک خدا-انسان، خلقتی نو و عدالت خدا در مسیح است – ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۷، ۲۱.
- ج. یک خدا-انسان، خداوند را با کل وجودش، یعنی از دل، جان [روان]، ذهن و قوت خود دوست می‌دارد – مرقس ۱۲: ۳۰.
- چ. یک خدا-انسان هیچ اعتمادی به جسم ندارد، خود را انکار می‌کند، و روح را برای زیستن مسیح تمرین می‌دهد – فیلیپیان ۳: ۳؛ متی ۱۶: ۲۴؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۷؛ فیلیپیان ۱: ۲۱ آ.
- ح. یک خدا-انسان، انسان خدا با کلام خداست که نفس خدا را استنشاق می‌کند – ۱ تیموتائوس ۶: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷.
- خ. یک خدا-انسان درک می‌کند که او یک فرد مستقل نیست، بلکه بخشی از یک خدا-انسان جمعی است – بدن مسیح، آن یک انسان نو – ۱ قرن‌تیا ۱۲: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۴: ۱۶؛ کولسیان ۳: ۱۰-۱۱.